



نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت قانون

حسین مرادی

کارشناسی ارشد حقوق عمومی ، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات، شیراز، ایران

چکیده

حاکمیت قانون به معنای احترام و تبعیت از قانون توسط تمام افراد و نهادهای حکومتی و اجتماعی است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت قانون از اصول اساسی و پایه‌ای است که در قانون اساسی و قوانین موضوعه مورد تأکید قرار گرفته است. مهم‌ترین دستاورد حقوق عمومی نوین، ایده حاکمیت قانون است که هدف آن ایجاد نظامی قانونی برای نهادهای حاکمیتی و نهادینه کردن مسیرهای اعمال قدرت حکومت بر شهروندان است. در نظام حقوقی غرب، به ویژه در سنت حقوقی کامن‌لا، عرف و رویه قضایی به عنوان منابع اصلی قانون‌گذاری شناخته می‌شوند که از طریق روش‌های تجربی و عقلی و با تکیه بر دو اصل «مستدل بودن» و «قانونی بودن» به تضمین اصل حاکمیت قانون کمک می‌کنند. از دیدگاه نظام حقوقی اسلام، نظام حقوقی مشروع، نظامی است که بر اساس احکام الهی بنا شده و اعتقاد اساسی نظام سیاسی فقه شیعه به تبعیت همه افراد، حتی رهبری جامعه مسلمین، از قانون، آن را تقویت می‌کند. در همین راستا، برای رعایت همه‌جانبه اصل حاکمیت قانون، سازوکارهای تشخیصی و نظارتی نیز در نظام حقوقی جمهوری اسلامی پیش‌بینی شده است. این نوشتار، ضمن بررسی رویکردهای نظری به مفهوم حاکمیت قانون و مؤلفه‌های شکلی و ماهوی دولت قانون‌مدار در نظام حقوقی غرب، امکان تحقق ایده حاکمیت قانون در نظام حقوقی جمهوری اسلامی را با توجه به ساختار متفاوت آن و در پرتو اصول و ارزش‌های حاکم بر آن، با توجه ویژه به قانون اساسی بررسی کرده است. این مقاله به بررسی مفاهیم، مبانی، و جلوه‌های حاکمیت قانون در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

واژگان کلیدی: حاکمیت قانون، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نهادهای نظارتی



مقدمه

اصل "حاکمیت قانون" به عنوان یکی از اساسی ترین شاخص های زمامداری و حکمرانی خوب، در دهه های اخیر توجه بیشتری در محافل حقوقی، سیاسی، و اجتماعی به خود جلب کرده است. این مقاله با بررسی این مفهوم از دیدگاه های مختلف حقوقی در نظام های "رسمی-ژرمنی" و "کامن لا" و همچنین تبیین مفهوم بومی آن در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، تلاش می کند تا ابعاد گوناگون و ضمانت اجرای نقض این اصل را روشن کند. حاکمیت قانون به عنوان یکی از مفاهیم مهم حقوق عمومی، ریشه تاریخی در اعصار گذشته دارد و در دهه های اخیر توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. این مفهوم که در ادبیات حقوقی معنای خاص خود را دارد، امروزه به لحاظ رواج آن در محاورات سیاسی و اجتماعی نیز به نوعی ارزش اخلاقی و اجتماعی تبدیل شده است (پشتدار و همکاران، 1402) لذا در این مقاله به دنبال ارائه مفهوم حاکمیت قانون از دیدگاه حقوقی و در چارچوب نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران هستیم.

حاکمیت در مقام یکی از عناصر محوری و شاکله نهاد دولت - ملت، قدرت عالی دولت نیز هست. این قدرت عالی و مشروع و انحصاری به دولت توان قانون گذاری، تصمیم سازی و اجرایی در محیط داخلی میبخشد و در محیط خارجی و بین المللی، احترام سایر کشورها به استقلال و تمامیت ارضی آن کشور را در پی دارد. بر این اساس این عنصر بنیادین دولت - ملت با توجه به جغرافیای گفتمانی سیاسی و فرهنگی هر جامعه موجودیت می یابد و ارزشهای دایر بر جامعه و مردم آن از یست اجتماعی را در خود نهادینه می کند. به عبارت دیگر حاکمیت در ذات مفهومی خویش دارای زیرساخت و مبانی نظری موجودیت بخش است و در عالم، مبنی متأثر از یافت فرهنگی و اجتماعی هر جامعه، صورت بندی های متفاوتی دارد که گذاری به تاریخ تحول این مفهوم در اندیشه سیاسی جهان، گویای این تفاوت ها و یومی شدن این مفهوم است (عیوضی و همکاران، 1391).

یکی از کارویژه های محوری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بنا به ماهیت نهادی اش تبیین و تفسیر مبانی حاکمیت نهادها و کارگزاریهای حاصل از آن، به منظور تدبیر و تنظیم امور اجتماع است این قانون با توجه به ارزشهای اسلامی و انقلابی جامعه اسلامی ایران و رهبران آن صورت بندی و شکلی متفاوت و نو به مفهوم حاکمیت داده و نهادها و کارگزاریهای مختص به خود را برای اعمال آن پیش بینی کرده است.

پیشینه تاریخی اصل حاکمیت قانون

الف) در کشورهای غربی

حاکمیت قانون به عنوان یکی از ارکان حکمرانی مشروع در جهان معاصر شناخته می شود. این اصل در کشورهای غربی ریشه در آثار حکمای یونان باستان دارد. ارسطو، به عنوان نخستین منادی حاکمیت قانون، معتقد بود که حکومت باید تابع قانون باشد تا از فساد جلوگیری شود. در قرن هفدهم، با وقوع انقلاب در بریتانیا و صدور منشور حقوق، ضرورت پیروی پادشاه از قانون مورد تأکید قرار گرفت و سه تعریف از حاکمیت قانون در سنت حقوقی انگلستان پدید آمد: اعمال حاکمیت توسط نهادهای قدرت مطابق با قواعد عام، برابری

همه شهروندان در مقابل قانون، و احکام قضایی عرفی به عنوان محصول اصول بنیادین قانون اساسی بریتانیا (Tusseau et al 2008).

ب) در ایران

مفهوم حاکمیت قانون در نظام حقوقی ایران در دو بازه زمانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی قابل بررسی است.

قبل از انقلاب اسلامی: اگر "قانون" به مفهوم نوین و به معنای متن مصوب پارلمان بدانیم، چنین چیزی در ایران قدمت چندانی ندارد. در دوران قاجار، محاکم عرفیه از محاکم شرعیه تفکیک شده بودند و قوانین مدونه صرفاً مستند آراء قضات به شمار می آمدند. این وضعیت با آغاز حکومت پهلوی و کدگذاری قانونی توسط وزرای عدلیه و دادگستری تکمیل شد و از این دوران به بعد، حاکمیت مطلقه قانون به معنای قوانین مدونه مصوب پدید آمد.

بعد از انقلاب اسلامی: پس از انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی، تغییرات بنیادینی در نظام قضایی ایران صورت گرفت. اصل 4 قانون اساسی، تفکیک سنتی بین محاکم عرفیه و شرعیه را از بین برد و کلیه قوانین و مقررات نباید مغایرتی با احکام شرع مقدس داشته باشند. بنابراین، حاکمیت قانون به معنای اجرای فرامین شرعی تلقی می شود و مشروعیت نظام از این طریق به حاکمیت قوانین نظام مشروعیت بخشیده است. (وکیل 1383)

مفهوم حاکمیت قانون در نظام قضاء دو جنبه اساسی دارد: اول، تصمیمات قضایی باید به شیوه ای عقلانی و بر مبنای منطق حقوقی اتخاذ گردد؛ دوم، دلایل باید قانونی و مستند به مقررات و مواد قانونی باشند. اصل 166 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقرر

می‌دارد که احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به قانون باشد. ذکر دلایل در دادنامه، امنیت خاطر اصحاب دعوا را فراهم می‌سازد و عدالت در دستگاه قضایی و امنیت اجتماعی شهروندان را به دنبال خواهد داشت (وکیل 1383).

بحث

حاکمیت قانون به معنای احترام و تبعیت از قانون توسط تمام افراد و نهادهای حکومتی و اجتماعی است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت قانون از اصول اساسی و پایه‌ای است که در قانون اساسی و قوانین موضوعه مورد تأکید قرار گرفته است. این مقاله به بررسی مفاهیم، مبانی، و جلوه‌های حاکمیت قانون در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. حاکمیت قانون به معنای سلطه قانون بر همه‌گان، بدون تمایز و تبعیض، و تأمین عدالت و امنیت حقوقی برای همه افراد جامعه است. این اصل، بنیادین‌ترین و ضروری‌ترین اصل برای ایجاد نظم و عدالت در جامعه است.

مبانی حاکمیت قانون در جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که در سال ۱۳۵۸ به تصویب رسید و در سال ۱۳۶۸ اصلاح شد، بر اصولی مانند عدالت، برابری، و احترام به حقوق افراد تأکید دارد. در اصل ۴۴ قانون اساسی آمده است: "نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است".

موازین شرعی

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، قوانین و مقررات باید با اصول و احکام شریعت اسلامی مطابقت داشته باشند. اصل ۴ قانون اساسی تأکید می‌کند که "کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد". (عاملی، 1412ق،)

ولایت فقیه

یکی از اصول اساسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اصل ولایت فقیه است که در اصل ۵ قانون اساسی تصریح شده است. این اصل بیان می‌کند که در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج)، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا است (عاملی، 1412ق، ص 236؛ امام خمینی، بی‌تا، ص 407)

جلوه‌های حاکمیت قانون در جمهوری اسلامی ایران

نهادهای نظارتی

نهادهای نظارتی مختلفی در جمهوری اسلامی ایران برای نظارت بر اجرای قوانین و تحقق حاکمیت قانون ایجاد شده‌اند. از جمله این نهادها می‌توان به شورای نگهبان، دیوان عدالت اداری، و سازمان بازرسی کل کشور اشاره کرد. شورای نگهبان وظیفه بررسی تطابق قوانین مصوب مجلس با موازین اسلامی و قانون اساسی را بر عهده دارد. دیوان عدالت اداری به شکایات و تظلمات مردم علیه تصمیمات



و اقدامات نهادهای دولتی رسیدگی می کند و سازمان بازرسی کل کشور نیز به ارزیابی و بررسی عملکرد دستگاه های اجرایی می پردازد. (نجفی، 1386)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق و آزادی های اساسی شهروندان را تضمین کرده است. در اصول ۱۹ تا ۴۲ قانون اساسی، حقوقی همچون حق حیات، آزادی بیان، آزادی تجمعات و انجمن ها، و حق تحصیل برای همه شهروندان به رسمیت شناخته شده است. دستگاه قضایی

دستگاه قضایی در جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از ارکان اساسی حاکمیت قانون عمل می کند. اصل ۱۵۶ قانون اساسی تصریح می کند که "قوه قضاییه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است". حاکمیت قانون یکی از اصول اساسی و بنیادی در هر نظام حقوقی مدرن است که بر پایه احترام به قوانین و مقررات و تبعیت همگان از آن ها استوار است. این اصل به معنای آن است که تمام افراد، از جمله مقامات دولتی و نهادهای حکومتی، ملزم به رعایت قوانین بوده و هیچ کس فراتر از قانون نیست. در نظام جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت قانون بر مبنای قانون اساسی و اصول شریعت اسلامی استوار است و از اصول محوری نظام به شمار می رود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد که تمامی قوانین و مقررات باید در چارچوب موازین اسلامی باشد و نهادهای مختلفی برای نظارت بر اجرای صحیح این قوانین وجود دارند. نهادهای نظارتی مانند شورای نگهبان، دیوان عدالت اداری، و سازمان بازرسی کل کشور نقش اساسی در تضمین حاکمیت قانون در جمهوری اسلامی ایران دارند. شورای نگهبان وظیفه بررسی تطابق قوانین مصوب مجلس با موازین اسلامی و قانون اساسی را بر عهده دارد، در حالی که دیوان عدالت اداری به شکایات و تظلمات مردم علیه تصمیمات و اقدامات نهادهای دولتی رسیدگی می کند. سازمان بازرسی کل کشور نیز به عنوان یکی از نهادهای نظارتی کلان، وظیفه بررسی و ارزیابی عملکرد دستگاه های اجرایی را دارد. این نهادها با اعمال نظارت دقیق و پیگیری تخلفات، به تحقق اصول حاکمیت قانون و عدالت اجتماعی کمک می کنند. (لئون و همکاران، 1388).

لازم به ذکر است قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق و آزادی های اساسی شهروندان را تضمین کرده است. در اصول ۱۹ تا ۴۲ قانون اساسی، حقوقی همچون حق حیات، آزادی بیان، آزادی تجمعات و انجمن ها، و حق تحصیل برای همه شهروندان به رسمیت شناخته شده است.

نتیجه گیری

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت قانون به معنای حاکمیت مبانی شرعی و قواعد اسلامی است که به صورت قوانین مصوب مجلس ظاهر می شود. این مفهوم با تئوری حاکمیت شرع، مطابقت دارد و بر این اساس، مجلس شورای اسلامی به عنوان برنامه ریز و نه قانون گذار، موظف است قوانین را بر مبنای اصول عقلانی و شرعی تدوین کند.

حاکمیت در مقام یکی از عناصر محوری و شاکله نهاد دولت - ملت، قدرت عالی دولت نیز هست. این قدرت عالی و مشروع و انحصاری به دولت توان قانون گذاری، تصمیم سازی و اجرایی در محیط داخلی میبخشد و در محیط خارجی و بین المللی، احترام سایر کشورها به استقلال و تمامیت ارضی آن کشور را در پی دارد. بر این اساس این عنصر بنیادین دولت - ملت با توجه به جغرافیای گفتمانی سیاسی و فرهنگی هر جامعه موجودیت می یابد و ارزشهای دایر بر جامعه و مردم آن از یست اجتماعی را در خود نهادینه می کند. به



عبارت دیگر حاکمیت در ذات مفهومی خویش دارای زیرساخت و مبانی نظری موجودیت بخش است و در عالم، مینی متأثر از یافت فرهنگی و اجتماعی هر جامعه، صورت بندی های متفاوتی دارد که گذاری به تاریخ تحول این مفهوم در اندیشه سیاسی جهان، گویای این تفاوت ها و یومی شدن این مفهوم است (عیوضی و همکاران، 1391).

یکی از کارویژه های محوری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بنا به ماهیت نهادی اش تبیین و تفسیر مبانی حاکمیت نهادها و کارگزاریهای حاصل از آن، به منظور اتدبیر و تنظیم امور اجتماع است این قانون با توجه به ارزشهای اسلامی و انقلابی جامعه اسلامی ایران و رهبران آن صورت بندی و شکلی متفاوت و نو به مفهوم حاکمیت داده و نهادها و کارگزاریهای مختص به خود را برای اعمال آن پیش بینی کرده است.

- منابع :

- 1- اصلانی فیروز، کاظمینی سیدمحمدحسین. مفهوم حاکمیت قانون و برداشت از آن با تأکید بر قانون اساسی ج.ا.ا. فصلنامه علمی مطالعات انقلاب اسلامی. ۱۳۹۰؛ ۸ (۲۶): ۲۴۷-۲۷۴
- 2- پشت دار، حسین، تقوی فردود، زین العابدین، تقوی فردود، مریم، & تقوی فردود، محمد. (1402). حاکمیت قانون در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش حقوق عمومی، 24(78), doi: 10.22054/qjpl.2022.63688.2684315-289.
- 3- زارعی، محمد حسین. (1380). حاکمیت قانون در اندیشه های سیاسی و حقوقی. *دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی*. 51-68, 0(1),
- 4- عیوضی، محمد رحیم & باب گوره، سید حسام الدین. (1391). صورت بندی حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و خوانش های موجود در این حوزه. *فصلنامه علمی پژوهش های انقلاب اسلامی*. 221-246, 1(2),
- 5- وکیل، امیرساعد و عسکری، پوریا، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، تهران: انتشارات مجد، 1383.
- 6- نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم: انتشارات بین المللی الهدی، چ 4، 1386.
- 7- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، الروضة البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه (المحشی سلطان العلماء)، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، 1412ق.
- 8- امام خمینی، سیدروح الله، استفتائات، ج 3، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ 5، 1422ق.

9- Tusseau, Guillaume, Etat (postmoderne) de droit, logique textuelle et théorie micropolitique du droit, Springer, 2008.\

Template for English Abstract (Times New Roman size 14)

First Author Times New Roman 10 pt bold

(centered)**Affiliation**

Email@daneshpajoochan.ac.ir Times New Roman 10 pt

Second Author¹ Times New Roman 10 pt bold

(centered)**Affiliation**

Email@daneshpajoochan.ac.ir

Third Author.Affiliation

Email@daneshpajoochan.ac.ir

1-1-

Abstract -2-1

The rule of law means respect and obedience to the law by all individuals and governmental and social institutions. In the system of the Islamic Republic of Iran, the rule of law is one of the fundamental principles that is emphasized in the constitution and relevant laws. The most important achievement of modern public law is the idea of the rule of law, which aims to create a legal order for the governing institutions and institutionalize the paths of Exercising government power over citizens. In the legal system of the West, especially in the legal tradition of common law, custom and judicial procedure are known as the main sources of legislation, which guarantee the principle of the rule of law through empirical and rational methods and relying on the two principles of "reasonableness" and "legality". they help From the point of view of the Islamic legal system, a legitimate legal system is a system that is based on divine decrees, and the basic belief of the political system of Shia jurisprudence that all people, even the leadership of the Muslim community, obey the law strengthens it. In this regard, in order to fully comply with the principle of the rule of law, diagnostic and monitoring mechanisms are also provided in the legal system of the Islamic Republic. This article, while examining the theoretical approaches to the concept of the rule of law and the formal and substantive components of the rule of law in the legal system of the West, the possibility of realizing the idea of the rule of law in the legal system of the Islamic Republic with regard to its different structure and in the light of its governing principles and values, It has examined with special attention to the constitution. This article examines the concepts, foundations, and manifestations of the rule of law in the legal system of the Islamic Republic of Iran.

Keywords: rule of law, the constitution of the Islamic Republic of Iran, regulatory institutions

1-Corresponding Author